

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

سال یازدهم - شماره اول - شماره پيوسته ۳۱ - بهار ۱۴۰۰

نگاهی به برخی واژه‌های فرارودی در ترجمه قرآن موسوم به ۷۰۴

(ص ۱۰۳-۱۲۲)

📩:20.1001.1.2345217.1400.11.1.5.8

بنفشه السادات صفوی^۱، عظامحمد رادمنش (نویسنده مسئول)^۲، محبوبه خراسانی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۴

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

اوایل قرن هشتم، قرآنی با گویش فرارودی در حوزه ماوراءالنهر (فرارود) کتابت شده است که واژه‌ها و ترکیبات زیبایی از زبان فارسی را در خود دارد. با دقت در این گنج شایگان که به قرآن مترجم ۷۰۴ مشهور است، امتیازات این نسخه با ارزش، هر چه بیشتر شناخته شد. کاربرد واژگانی از گویش‌های محلی و منطقه‌ای مردم شرق خراسان، کهنگی زبان ترجمه را در این قرآن نشان می‌دهد و زمان دقیق تألیف آن را به قرن چهارم و پنجم هجری؛ یعنی دوران رشد و تکوین زبان فارسی دری می‌رساند. در این پژوهش، برخی از واژه‌ها و افعال برجسته محلی و فرارودی این مجموعه بررسی و به ادب دوستان و قرآن‌پژوهان معرفی شده است. آشنایی با این واژه‌ها و دسترسی به گنجینه عظیم این برابرها، به ما در پژوهش‌های دستور تاریخی یاری می‌رساند و می‌تواند گره‌گشای برخی متون کهن فارسی شود.

کلمات کلیدی: قرآن مترجم ۷۰۴، فرارودی، برابره‌های فارسی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

Email: safavi.bs@gmail.com

^۲ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

Email: ata.radmanesh1398@gmail.com

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

Email: najafdan@gmail.com

۱. مقدمه

در طول تاریخ، ترجمه‌ها و تفاسیر قرآن از عوامل بسیار مؤثری هستند که سبب رونق زبان فارسی شده‌اند. این امر در هر حوزه جغرافیایی که انجام گرفته باشد تأثیر گویش‌های مختلف را بر زبان فارسی نشان می‌دهد و همیشه دربردارنده معانی ژرف، واژه‌های متروک یا کمیابی است که بررسی آن‌ها، میراث گران‌بهایی برای پژوهندگان زبان فارسی و قرآن‌پژوهان به شمار می‌رود. بسیاری از آثار اسلامی و مذهبی به زبان فارسی - زبان دوم دنیای اسلام - وجود دارد، پس باید به آن توجه کرد و نشانه‌های این تأثیر را در کتب اسلامی و فرهنگی جستجو کرد؛ زیرا «تفسیرها و ترجمه‌های کهن قرآن‌های خطی، یک واقعه مهم فرهنگی به شمار می‌آید و سرآغاز تحولی است بزرگ که چشم‌اندازی گسترده در ادب فارسی پدید آورده است» (سادات ناصری، ۱۳۶۹: ۶)

در عصر طاهریان، صفاریان و سامانیان، زبان رسمی و دیوانی مردم ایران غالباً عربی بود و حتی اهل دانش نیز از این زبان استفاده می‌کردند. اما گسترش اسلام و رواج زبان عربی در میان ایرانیان، هرگز سبب نشد از رونق زبان فارسی کاسته شود بلکه باعث پیشرفت ایرانیان در علوم عقلی و نقلی گردید. زبان فارسی در نواحی دور از خلافت، بویژه مشرق ایران؛ یعنی ماوراءالنهر نیز رونق پیدا کرد و آثار بسیاری به فارسی ترجمه شد. توجه به ترجمه واژه‌های قرآنی نیز بیشتر در نواحی شرق ایران؛ یعنی ماوراءالنهر آغاز شد و بعدها در شبه‌قاره هند رونق گرفت؛ زبان فارسی همچنان زبان عمومی مردم شد و جایگاه بهتری پیدا کرد.

تلاش برای فهم قرآن به زبان‌ها و لهجه‌های محلی، بویژه در خراسان و بخش‌های شرقی بسیار پررونق بوده است. مترجمان سعی داشتند معادل فارسی مناسب برای واژگان عربی در نظر بگیرند. از آنجا که معدودی از عالمان و دانشوران، عربی می‌دانستند و زبان ترجمه در این قرآن‌ها زبان دینی مردم به شمار می‌آمد، ترجمه‌ها بیشتر شکل بومی و محلی خود را حفظ کرده است.

حوزه فرارود (ماوراءالنهر) در رشته‌های علمی و فرهنگی بسیاری فعال بوده است و از آنجا که این سرزمین، خاستگاه نخستین شاعران زبان فارسی نیز بوده است یکی از غنی‌ترین و پربارترین حوزه‌های ادب فارسی به شمار می‌رود. این حوزه در شمال رود جیحون واقع شده و به مدت پنج قرن، بزرگ‌ترین مهد تمدن اسلامی ایران بوده است. «مردم این سرزمین، پیش از ورود اعراب و ساکن شدن آن‌ها در ماوراءالنهر (فرارود) به زبان «سُغدی» سخن می‌گفتند اما برای نوشتار، خط عربی را انتخاب کردند و گونه‌ای از زبان را که ترکیبی از زبان سغدی، زبان دری و زبان عربی بود به کار گرفتند و گونه فارسی فرارودی نامیدند» (رواقی ۱۳۹۲: ۱۸).

از آنجا که تاکنون تحقیقی درباره ویژگی‌های زبانی حوزه ماوراءالنهر (فرارود) نوشته نشده است، برای شناخت این حوزه، تنها می‌توان از راه مقایسه زبان متون به نتیجه رسید. این، کاری تازه است که

نگاهی به برخی واژه‌های فرارودی در ترجمه قرآن... (ص ۱۰۳-۱۲۲) --- بنفشه‌السادات صفوی و همکاران ۱۰۵

علی رواقی، نام گونه‌شناسی را بر آن نهاده و معتقد است که به کمک این دانش می‌توان حوزه‌های دقیق هر اثر را از نظر گویش تشخیص داد (نک: رواقی، ۱۳۹۴: ۶).

ساکنان این حوزه، زبان پهلوی را که بی‌شک یکی از مهم‌ترین نمادهای ملی و فرهنگی آنان به شمار می‌رفته است سخت مورد توجه قرار دادند.

۱-۱. شیوه پژوهش

اساس کار در این پژوهش، نسخه‌ای از قرآن کریم معروف به «قرآن مترجم» و موسوم به «(۷۰۴)» است که با شماره عمومی ۷۰۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. در این پژوهش، برخی واژه‌های عربی همراه با برابرهای فرارودی آن‌ها در ترجمه، استخراج و همراه با آیات به بحث گذاشته است. در این پژوهش برای ارجاعات به «قرآن مترجم (۷۰۴)»، از عنوان «نسخه» به همراه شماره صفحات نسخه استفاده شده است.

۲-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون در مورد ترجمه قرآن موسوم به ۷۰۴، یک مقاله با عنوان «معرفی نسخه خطی قرآن مترجم» در فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی آستان قدس رضوی به صورت الکترونیکی منتشر شده است (نک: صفوی، ۱۳۹۹).

۳-۱. معرفی نسخه

نسخه خطی «قرآن مترجم (۷۰۴)» در ۵۲۰ برگ / ۱۰۴۰ صفحه بر روی کاغذ دولت آبادی حنایی ضخیم کتابت شده است. نسخه افتادگی‌های اندکی دارد و خط آن در واژگان قرآنی، خط نسخ جلی و در ترجمه فارسی، خط نسخ خفی^۲ است.

کاتب این نسخه منحصر به فرد، نامعلوم است و بر اساس یادداشتی که محمد جعفر یاحقی در ابتدای نسخه نگاشته است: «قرآنی است ممتاز و بسیار شبیه به قرآنی که طی شماره ۳ در فرهنگنامه قرآنی، فیش شده است».

علایم سجاوندی، تنها تزئینات نسخه است و اسامی سوره‌ها به سنگرف نوشته شده و در بیشتر موارد بدون نشانه است. این نسخه ارزشمند در محرم الحرام ۱۳۴۳ قمری (۱۳۰۳ شمسی) به شماره ۷۰۴ ثبت شده اما در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)^۳ معرفی نشده است.^۴

سوره حمد و شش آیه ابتدای سوره بقره مفقود شده و در مجموع ۱۴۴ آیه از کل قرآن وجود ندارد (نک: صفوی، ۱۳۹۹: ۶-۷).

۱-۴. شیوه ترجمه

ترجمه «قرآن مترجم» لفظ به لفظ است و کاتب، ترجمه هر واژه را به شکل خطوط کوتاه و مورب در زیر آن نوشته است. از آنجا که گونه زبانی ماوراءالنهر یکی از قدیم‌ترین گونه‌های زبان فارسی است و سروده‌های رودکی، ترجمه تفسیر طبری، تفسیر نسفی، هدایة المتعلمین، شرح تعرف و نظایر آن، همه و همه فرارودی (ماوراءالنهری) هستند، زبان ترجمه در این قرآن نیز از نظر زمانی با آثار مذکور همخوانی بسیار دارد و می‌توان گفت: «کتابت قرآن ظاهراً به اواخر قرن هفت و اوایل قرن هشتم می‌رسد اما زبان ترجمه قدیم‌تر از کتابت است و قطعاً تا قرن پنجم می‌رسد» (فکرت، ۱۳۶۳: ۱۱۲).

همگونی‌های واژگانی و گاه ساختاری و آوایی این متون با یکدیگر می‌تواند به ما کمک کند تا گونه‌ها و گویش‌های زبان فارسی را بهتر بشناسیم؛ چون «هریک از مترجمان این قرآن‌ها بنا به سلیقه و ادراک خود، نزدیک‌ترین واژه به مفهوم قرآنی را از گونه زبان خویش برمی‌گزیده است تا مردمی که در حوزه ادبی آنان می‌زیسته‌اند بتوانند به آسانی معنی آیات قرآن را دریابند» (باحقی، ۱۳۷۳: ۱۹۶۵).

ترجمه واژگان این قرآن، گاه به تفسیر شباهت دارد؛ برای مثال، واژه «طاغوت» همه‌جا به معنی «دیو»، «شیطان» یا «بت» آمده است اما تنها یک بار معادل اسم خاص «کعب بن اشرف»^۵ ترجمه شده است. واژه‌های بحیره^۶، سائبه^۷، وصیله^۸ و حام^۹ نیز اسم‌های خاصی هستند که در اکثر ترجمه‌های معیار به همین شکل آورده می‌شوند اما مترجم این نسخه گویا این چهار واژه را تفسیر می‌کند:

آیه: «مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (مانده / ۱۰۲).

ترجمه معیار: «خدا چیزهای ممنوعی از قبیل بحیره و سائبه و وصیله و حام قرار نداده است ولی کسانی که کفر ورزیدند، بر خدا دروغ می‌بندند و بیشترشان تعقل نمی‌کنند» (فولادوند، ۱۳۷۴: ۱۲۴).

ترجمه قرآن ۷۰۴: «نه کرد خدای از ماده شتر گوش شکافته و نه یله کرده و نه پیوسته به برادر خود و نه شتر نگاه‌دارنده پشت خود» (نسخه، ۷۵۲: ۲۱۸ و نک: صفوی، ۱۳۹۹: ۸).

۲. بحث

۱-۲. هم خوانی‌های قرآن مترجم ۷۰۴ با قرآن مترجم ۱۰۸۹

در فرهنگنامه قرآنی، قرآن مترجم ۷۰۴ را به اوایل قرن هشتم نسبت داده‌اند حال آنکه زبان ترجمه در این نسخه فرارودی است و واژگان به کار رفته در آن به قرن پنجم می‌رسد.

نگاهی به برخی واژه‌های فرارودی در ترجمه قرآن... (ص ۱۰۳-۱۲۲) -- بنفشه‌السادات صفوی و همکاران

۱۰۷

قابل ذکر است که قرآن مترجم دیگری معروف به ۱۰۸۹ موجود است که نسخه‌ای کامل مشتمل بر نیمه‌سوره فاتحه تا پایان قرآن است. تاریخ کتابت آن پنجم ربیع الآخر سنه ۷۵۹ هجری قمری ثبت شده و کاتب در انجام نسخه چنین آورده است:

«تمام شد نوشتن این مصحف، بر دست اضعف عباد الله محمد بن محمد بن ابراهیم بن محمد، ملقب به نجم الثوری [الدوری] غفرالله له و لوادی، در روز (م: دروز) آدینه پنجم ماه ربیع الآخر سنه تسع و خمسين و سبعمانه. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِكَاتِبِهِ وَ لِصَاحِبِهِ وَ لِمَنْ قَرَأَ وَ لِمَنْ نَظَرَ» (رواقی، ۱۳۶۹: مقدمه).

شبهات‌هایی بین این دو نسخه (۷۰۴ و ۱۰۸۹) وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. خط عربی در هر دو نسخه یکسان است؛
 ۲. خط ترجمه فارسی در دو نسخه شباهت بسیار دارد؛
 ۳. کتابت ترجمه فارسی روی خط‌های صاف نیست، ترجمه هر واژه در نسخه ۷۰۴ به شکل مَورب و در نسخه ۱۰۸۹ به شکل هفت و هشت نوشته شده است؛
 ۴. ترجمه در هر دو نسخه به صورت لفظ به لفظ است و ترجمه هر واژه در زیر آن نوشته شده است؛
 ۵. بیشتر واژه‌ها و ترکیبات خاص در هر دو نسخه یکسان است؛
 ۶. هر دو متن از نظر ترجمه فارسی به هم شبیه هستند؛
 ۷. مقدار افتادگی در هر دو نسخه یکسان است؛
 ۸. قسمت‌های نونویسی شده و بدون ترجمه، در هر دو نسخه یکسان است؛
 ۹. ویژگی‌های سبکی ترجمه فارسی در هر دو نسخه یکسان می‌نماید.
- این موارد نشان می‌دهند که هر دو نسخه در یک حوزه نگاشته شده‌اند، هر دو از روی قرآن بسیار قدیم‌تر کتابت شده‌اند و تأمل در زبان ترجمه آن‌ها، این دو نسخه را به قرن چهارم و پنجم می‌رساند. همان گونه که پیش از این گفتیم؛ قرآن مترجم ۷۰۴ آغاز و انجام ندارد و کاتب آن نامعلوم است اما با توجه به شباهت‌های این دو نسخه، به نظر می‌رسد کاتب نسخه ۷۰۴ نیز همان کاتب نسخه ۱۰۸۴ یعنی «محمد بن محمد بن ابراهیم بن محمد ملقب به نجم الثوری» باشد. در ادامه به شواهدی از مشابهت این دو اثر در ترجمه فارسی واژه‌ها پرداخته می‌شود:

۲-۱-۱. اِخْتِلَافٍ: آمد شد

* إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ (آل عمران / ۹۰)
(۷۰۴): هر آینه در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد شد شب و روز هر آینه نشانهاست هر آینه خداوندان خردها را.

(۱۰۸۹): هرآینه در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد شد شب و روز هرآینه نشانهاست هرآینه خداوندان خردها را.

۲-۱-۲. مَكَانًا: از روی جا، از روی جایگاه

* الَّذِينَ يُحْشِرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ سَرُّ مَكَانًا وَ أَضَلُّ سَبِيلًا (فرقان/ ۳۴)
(۷۰۴): آنان که گرد آورده شوند، بر روی‌هاشان کشند تا دوزخ، این گروه بدترند از روی جای و گم‌ترند به راه.

(۱۰۸۹): آنان که گرد آورده شوند، بر روی‌هاشان کشند تا دوزخ، این گروه بدترند از روی جای و گم‌ترند به راه.

۳-۱-۲. سَاوِي: هرآینه اندخسم، هرآینه بیندخسم

* قَالَ سَاوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ (هود/ ۴۳)
(۷۰۴): گفت هرآینه اندخسیم و بازگردیم به کوهی که نگاه دارد مرا از آب.
(۱۰۸۹): گفت هرآینه اندخسم و بازگردم به کوهی که نگاه دارد مرا از آب.

۴-۱-۲. بِالْأَلْقَابِ: به باژنامها/ به باج‌نامها

* وَلَا تَتَّبِعُوا بِالْأَلْقَابِ (حجرات/ ۱۱)
(۷۰۴): و مه خوانیت یکدیگر را به پاژنامها.
(۱۰۸۹): و مه خوانیت یکدیگر را به باج‌نامها.

۵-۱-۲. الْعَاكِفُ: باشنده

* الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءَ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ (حج/ ۲۵)
(۷۰۴): آنک کردیمش از جهت مردمان یکسان است باشنده در وی و بیابانی.
(۱۰۸۹): آنک کردیمش از جهت مردمان یکسان است باشنده در وی و بیابان.

۶-۱-۲. اخْتِلَافٌ: برافروشدن، برافرودی

* وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ (روم/ ۲۲)
(۷۰۴): و از آیت‌های وی آفرید آسمان‌ها و زمین را و برافروشدن زبان‌های شما.
(۱۰۸۹): و از آیت‌های وی آفریدن آسمان‌ها و زمین است و برافروشدن و مختلف ... زبان‌های شما.

۷-۱-۲. عَثِرَ: برشافیده شود

* فَإِنْ عَثِرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَأَخْرَانِ يَوْمَآنِ مَقَامَهُمَا (مائده/ ۱۰۷)

نگاهی به برخی واژه‌های فرارودی در ترجمه قرآن... (ص ۱۰۳-۱۲۲) --- بنفشه‌السادات صفوی و همکاران ۱۰۹

(۷۰۴): پس اگر برشافیده شود بران که ایشان هر دو سزاوار شدند بزه را پس دو دیگر ایستند به جای ازیشان.

(۱۰۸۹): پس اگر برشافیده شود برانک ایشان هر دو سزاوار شدند بزه را پس دو دیگر ایستند به جای ایشان.

۲-۱-۸. عُرْفُ: بروارها

*لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ عُرفٌ مِّنْ فَوْقِهَا عُرْفٌ مَّيْنَةً (زمر/ ۲۰)

(۷۰۴): جز آنک آنان که پرهیز کردند و ترسیدند از پروردگارشان مر ایشان راست بروارها از زبر آنها بروارهایی بود برآورده.

(۱۰۸۹) جز آنک آنان که ترسیدند از پروردگارشان مرایشان راست بروارهایی از زبر آنها بروارهایی بود برآورده.

۲-۱-۹. النَّطِيحَةُ: به زخم سرون مرده

*حَرَمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ... وَالْمُتَرَدِّيَةَ وَ النَّطِيحَةَ (مانده ۳/)

(۷۰۴): ناشایسته کرد شد بر شما مردار... و از بالا درافتاده و به زخم سرون مرده.

(۱۰۸۹) ناشایسته کرده شده بر شما مردار... و از بالا درافتاده و به زخم سرون مرده.

۲-۱-۱۰. تَفَشَعْرُ... جُلُودُ: فراهم آید... پوست‌ها

*كِتَابًا مَّتَشَابِهًا مَّثَانِي تَفَشَعْرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ (زمر/ ۲۳)

(۷۰۴): نامه به یکدیگر مانده در راستی بازگردانیده‌ها فراهم آید از وی پوست‌ها آنان که بترسند از پروردگار ایشان.

(۱۰۸۹): نامه به یکدیگر مانده در راستی بازگردانیده‌ها فراهم آید از وی پوست‌های آنان که ترسند از پروردگار خود.

۲-۱-۱۱. غَيَابَتِ الْجُبِّ: تک چاه

*فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَن يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ (يوسف/ ۱۵)

(۷۰۴): پس چون بردند او را و رای‌ها گرد کردند که کنندش در تک چاه.

(۱۰۸۹): پس چون بردند او را و رای‌ها گرد کردند که کنندش در تک چاه.

۲-۱-۱۲. الْحَوَايَا: چرب‌روده

*وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ شَحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا (انعام/ ۱۴۶)

(۷۰۴): و از گاو و گوسفند حرام کردیم بر ایشان پوست‌های ایشان مگر آنچه برداشت پشت‌هاشان یا چرب روده‌هاشان.

(۱۰۸۹) و از گاو و گوسفند حرام کردیم بر ایشان پیه‌هاشان مگر آنچه برداشت پشت‌هاشان یا به چرب روده‌هاشان.

۲-۱-۱۳. مَکَاءَ: شخولیدنی

* وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً (انفال/ ۳۵)

(۷۰۴): و نبود نماز ایشان نزد خانه مگر شخولیدنی یعنی دولبی کردن و دست‌زدنی.

(۱۰۸۹): و نبود نماز ایشان نزد خانه مگر شخولیدنی یعنی دولبی کردن و دست‌زدنی.

۲-۱-۱۴. حَمًا: غریفجی

* قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدْ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمًا مَسْنُونٍ (حجر/ ۳۳)

(۷۰۴): گفت: نبودم تا سجده کنم مر آدمیی را که آفریدیش از گل خشک، از غریفجی یعنی لای تر بوی‌گرفته.

(۱۰۸۹): گفت: نبودم تا سجده کنم مر آدمیی را که آفریدیش از گل خشک از لای بوی‌گرفته.

۲-۱-۱۵. لِأَحْتَنِكَنَّ: هرآینه لبیشه برنهم

* لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا (اسرا/ ۶۲)

(۷۰۴): اگر زمان دهی مرا تا روز رستخیز هر آینه لبیشه برنهم فرزندان او را مگر اندکی.

(۱۰۸۹): اگر زمان دهی مرا تا روز رستخیز هر آینه لبیشه برنهم و از بیخ و بن برکنم فرزندان او را مگر اندکی را.

۲-۱-۱۶. أَكَّالُونَ: نیک‌خورندگان

* سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ (مائده/ ۴۲)

(۷۰۴): ایشان نیک شنونده‌اند مر دروغ را نیک‌خورندگان‌اند مر حرام را.

(۱۰۸۹): ایشان نیک شنونده‌اند مر دروغ را نیک‌خورندگان‌اند مر حرام را.

۲-۱-۱۷. زَهُوقًا: نیست‌شونده

* وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (اسرا/ ۸۱)

(۷۰۴): و به درستی آمد راستی و بهده و نیست‌شده نادرست و بیهده، هرآینه نادرست بود نیست‌شونده.

نگاهی به برخی واژه‌های فرارودی در ترجمه قرآن... (ص ۱۰۳-۱۲۲) --- بنفشه‌السادات صفوی و همکاران ۱۱۱

(۱۰۸۹): و بدرستی آمد راستی و بدهد و نیست شد بیهده و نادرست، هراینه نادرست بود نیک نیست‌شونده.

۱۸-۱-۲. مَعْرُوشَاتٍ: وانج کرده‌ها

*هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَّعْرُوشَاتٍ (انعام / ۱۴۱)

(۷۰۴): و ویست آنک آفرید بوستان‌هایی وانج کرده‌ها و جز وانج کرده‌ها.

(۱۰۸۹): و وی آن است که آفرید بوستان‌هایی وانج کرده‌ها و جز وانج کرده‌ها.

۱۹-۱-۲. بَرِدٍ: یخچه .

*وَيُنزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ (نور/ ۴۳)

(۷۰۴): و فرو می‌فرستد از آسمان یا از ابر از کوه‌هایی که در وی است از یخچه.

(۱۰۸۹): و فرو می‌فرستد از آسمان یا از ابر از کوه‌هایی که در ویست از یخچه.

۲۰-۱-۲. تَدَخَّرُونَ: یخنی می‌کنیت، یخنی می‌نهایت .

*وَأَنْتُمْ كَمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَخَّرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ (آل عمران/ ۴۹)

(۷۰۴): و آگاه کنم شما را به آنچه می‌بخوریت و آنچه یخنی می‌دهیت در خانه‌هاتان.

(۱۰۸۹): و آگاه کنم شما را به آنچه می‌خوریت و آنچه یخنی می‌نهایت در خانه‌های شما.

لازم به ذکر است که قرآن مترجم ۷۰۴، با تفسیر نَسْفِی نیز همخوانی‌های بسیار دارد. تفسیری که در حوزه نَسْف (قرن پنجم) نگاشته شده و زبان ترجمه‌اش همچون نسخه ۷۰۴، فرارودی است (نک: صفوی: ۱۳۹۹: ۱۰).

۲-۲. برخی واژه‌های فرارودی در قرآن مترجم ۷۰۴

۱-۲-۲. «دندان برهنه کردن^{۱۰}»: (تَبَسَّمَ) به معنی تبسم کردن، خندیدن

تنها یک بار در نسخه ۷۰۴ آمده است:

● فَتَبَسَّمَ صَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي^{۱۱} (نمل/ ۱۹)

● پس دندان برهنه کرد خندنده از گفتار وی، گفت ای خداوند من (نسخه، بی‌تا: ۶۶۱)

۲-۲-۲. «بی‌توشگان»: bi tusheghan (مَقْوِيْنَ) به معنی مسافران (صحرائنشینان، بیابانگردان)

تنها یک بار در نسخه ۷۰۴ آمده است .

● نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَ مَتَاعاً لِلْمُقْبِينَ (واقعه/۷۳)

● ما کردیمش یادگاری و برخورداری مر بی‌تو شگان را (نسخه، بی‌تا: ۹۱۸)

۲-۲-۳. «نسیپاس»: (کَفَّار) به معنی کافر، ناسپاس

● أَلْفِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلُّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ (ق/۲۴)

● بی‌افکنیت در دوزخ، هر نسیپاس ستیزه‌کار را (نسخه، بی‌تا: ۸۸۷)

● إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ (زمر/۳)

● هر آینه خدای نه راه نماید آن را که وی دروغ‌گوی نیک‌نسیپاس است (نسخه، بی‌تا: ۷۹۸)

۲-۲-۴. «سررو»: sarro (سَفَر) به معنی سفر

● وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ (مانده/۶)

● و اگر باشیت، بیماران یا بر سررو، یا آید یکی از شما از حدث (نسخه، بی‌تا: ۱۸۹)

● يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا (نساء/۴۳)

● ای آنان که گرویدید، نه نزدیک شوید به نماز و شما مستان تا سر و تن بشوئیت و اگر باشیت بیماران یا بر سر رو یا آید یکی از شما از حدث یا ... (نسخه، بی‌تا: ۱۵۰)

۲-۲-۵. «سغد، سغد، سغد»: saghd, safd (سَقْفًا) به معنی گنبد، پوشش، سقف

● وَ جَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا مُعْرِضُونَ (انبیاء/۳۲)

● آسمان را سقدی نگاه داشته شده، و ایشان از نشانه‌های وی، روی گردانندگان‌اند (نسخه، بی‌تا: ۵۶۸).

● كَأَيُّنَ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَ هِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَبُرُّ مُعْتَلِئَةً وَ قَصْرٍ مَشِيدٍ (حج/۴۵)

● پس چندا از شهری که هلاک کردیمش و وی ستمکار بود، پس وی افتاده است بر سقدهای وی و چاهی بی‌کار کرده و کوشکی افراشته (نسخه، بی‌تا: ۵۸۸)

رواقی در ذیل فرهنگ‌های فارسی، این واژه را (سغد) یا (سغد) ضبط کرده‌اند (نک: رواقی، ۱۳۸۱):

«آن شهرها سقدها در گشته است و دیوارها بر سقدها [=عروشها] فرو رفته است» (حج/۴۵ در تفسیر

۶-۲-۲. «بیشکفت / بیشکفت فرمودن»: biyashghaft (نُكَلِّفُ) به معنی اجبار کردن، اکراه، تکلیف

● وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (اعراف / ۴۲)

● و آنان که گرویدند، و کردند کارهای نیک، نه بشکفت فرمائیم هیچ تنی را، مگر توانایی وی (نسخه، بی تا: ۲۷۳).

۷-۲-۲. «بی نماز شدن»: (مَحِيضٍ) به معنی عذر زنان پدید آمدن

● وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَأَعْتَزَلُوا النَّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ (بقره / ۲۲۲)

● و می پرسندت از بی نماز شدن زنان، بگوی: آزار است، پس بگریزیت از زنان در بی نمازی (نسخه، بی تا: ۶۲).

● وَأَمْرٌ أَنَّهُ فَائِمَةٌ فَصَحَّحَتْ فَبَشَّرْنَاَهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ (هود / ۷۱)

● پس چون دید دستهاشان نرسد به وی نشناختشان و پنهان داشت از ایشان ترسی را، گفتند ترس، هر آینه ما فرستاده شدیم سوی گروه لوط و زن وی ایستاده بود پس خندید از شادی تا بی نماز شد، پس مژده دادیمش به اسحاق و از پس یا از پس آن اسحاق یعقوب (نسخه، بی تا: ۴۰۱). در مورد ساره، همسر ابراهیم (ع)، گفته اند که وی زنی یائسه بود و امیدی به بچه دار شدنش نبود پس وقتی نشانه بی نماز شدن را دید... در ترجمه واژه (ضحکت) می خوانیم: گفتند به موسی هر آینه ما فرستاده شدیم سوی گروه لوط و زن وی ایستاده بود پس خندید از شادی یا بی نماز شد پس مژده دادیمش به اسحاق... .

۸-۲-۲. «برشافیدن»: (عُتِرَ) به معنی معلوم شدن

تنها یک بار در نسخه ۷۰۴ آمده است.

● فَإِنْ عُتِرَ عَلَيَّ أَتْنَهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا (مائده / ۱۰۷).

● پس اگر برشافیده شود بر آن، از ایشان هر دو سزاوار شدند، بزه را (نسخه، بی تا: ۲۱۹).

۹-۲-۲. «راست باشیدن»: (فَاسْتَقِيمُوا) به معنی مقاومت کردن

● فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (توبه / ۷).

● پس راست باشیت مر شما را، پس راست باشیت مر ایشان را، هر آینه خدای دوست دارد پرهیزگاران را (نسخه، بی تا: ۳۲۹).

● قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوا وَ وَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ (فصلت / ۶)

● بگوی هر آینه من آدمی‌ام مانند شما، وحی فرستاده می‌شود به من، هر آینه خدای شما خدای یگانه است پس راست باش با وی و آمرزش خواهی و وای مر انبازگویان را (نسخه، بی‌تا: ۸۳۰).

۱۰-۲-۲. «اندخسیدن»: andokhsidan (لواذا/أعوذ) به معنی پناه بردن

● قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَسْتَلْلُونَ مِنْكُمْ لُوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ (نور/ ۶۳)

● به درستی می‌داند، خدای آنان را که بیرون می‌آیند از شما اندخسیدنی یعنی بی‌اجازت، پس بترسند آنان که بیرون می‌آیند از فرمان وی (نسخه، بی‌تا: ۶۲۷).

● قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَهْجُرْهُ (هود/ ۴۷)

● گفت ای پروردگار من، هر آینه من می‌اندخسم به تو از آنکه خواهی مرا به وی دانستی (نسخه، بی‌تا: ۳۹۶).

● وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ (دخان/ ۲۰)

● و هر آینه من اندخسیدم به پروردگار من و پروردگار شما که شکیبایی کنی مرا یعنی کشیت مرا به سنگ (نسخه، بی‌تا: ۸۴۵).

۱۱-۲-۲. «برافروندن»: (اختلفوا) به معنی دگرگون شدن، اختلاف داشتن

● تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاسْتَفْتُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ (آل عمران/ ۱۰۵)

● و نه باشی همچنان که پراکنده شدند، و برافرو شدند، از پس آنچه آمدشان حجت‌های پیدا (نسخه، بی‌تا: ۱۱۳).

● وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (زخرف/ ۶۳)

● و چون آمد عیسی به حجت‌های پیدا، گفت به درستی آمدم به شما با سخن درست و تا پیدا کنم از بهر شما پاره‌ای از آنک برافرو می‌شوید در وی، پس بترسیت از خدای و فرمان بریت مرا (نسخه، بی‌تا: ۸۴۰).

۱۲-۲-۲. «مغ بسیار آب»: maγ (لجی) به معنی موج، عمیق

● تنها یک بار در نسخه ۷۰۴ آمده است .

● أَوْ كَطَلَمَاتٍ فِي بَحْرِ لَجِيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ (نور/ ۴۰)

● یا همچو تاریکی‌هاست در دریا مغ بسیار آب فروپوشیدش شورش دریا از زبر وی

(شورش) (نسخه/۶۲۰)

۲-۱۳. «(دو انگشت مالیدن): (فَتَيْلًا) به معنی کمترین مقدار

● فَأُولَئِكَ يَقْرَؤْنَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتَيْلًا (اسراء/ ۷۷)

● پس این گروه می‌خوانند نامه خود را و نه ستم کرده شوند به مقدار آنکه دو

انگشت مالی (نسخه، بی‌تا: ۵۰۷)

● أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتَيْلًا (نساء/ ۷۷).

● او ندیدی آنان که گفته شد مر ایشان را بازداریت دست‌ها را و به پای داریت نماز را و بدیهت زکات را، نوشته شد بر ایشان کارزار کردن تا گاه گروهی از ایشان می‌ترسند از مردمان همچو ترسیدن خدای یا سخت به ترس و گویند ای پروردگار ما چرا نوشتی بر ما کارزار کردن را؟ چرا نه باز پس افکندی ما را تا زمان نزدیک؟ بگوی برخورداری این جهان اندک است و آن جهان بهتر است مر آن را که پرهیز کرد و نه کم کرده شویت آن مقدار که بمالیت میان دو

انگشت (نسخه، بی‌تا: ۱۵۸).

(فَتَيْلًا) در لغت به معنی نخ نازکی است در شکاف هسته خرما یا درون هسته آن و یا چرکی که با

مالیدن دست بر بدن به صورت فتیله در آید. ماده (فتل) در این آیه به معنی اسم مفعول (فتیل، پیچیده شده) و کنایه از حقارت و بی‌مقداری چیزی است که کسی به آن اعتنا نمی‌کند اما خدای تعالی همان مقدار را نیز مورد توجه قرار می‌دهد (نک: بندر ریگی، ۱۳۶۲: ذیل فتل). «به اندازه ذره ناچیز، آنچه در میان شکاف هسته خرماست» (خرم‌شاهی، ۱۳۷۶: ذیل فتیلا).

۲-۱۴. «(پای گشادن): (الطَّلَاق) به معنی طلاق دادن (صفوی، ۱۳۹۹: ۱۷)

● وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (بقره/ ۲۲۷)

● و اگر نیت کنیت پای گشادن را پس هر آینه خدای شنوای داناست (نسخه، بی‌تا: ۶۳)

● فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّىٰ تَتَّكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ

يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتَلَكَ حُدُودَ اللَّهِ يَبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (بقره/ ۲۳۰)

● پس اگر پای گشاده کندش پس نشاید مر او را از پس آن تا بخواهد شوی جز وی پس اگر پای گشاده کندش پس به هیچ بزهی بر ایشان که بازگردند یعنی رجعت اگر گمان برند که به پای دارند اندازه‌های خدای را پیدا کند ایشان را مر گروهی دانند (نسخه، بی تا: ۶۵).

۱۵-۲-۲. «باریک بین شیرین کار»: (لَطِيفٌ) به معنی لطف و کرم (صفوی، ۱۳۹۹: ۱۷).

● إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (یوسف / ۱۰۰).

● هر آینه پروردگار من باریک بین شیرین کار است (نسخه، بی تا: ۴۳۳).

● أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (حج / ۶۳).

● او ندیدی که هر آینه خدای فرو فرستاد از آسمان، آبی. پس مرده بود زمین سبز، هر آینه خدای باریک بین شیرین کار آگاه است (نسخه، بی تا: ۵۹۲).

۱۶-۲-۲. «پشت خم دادن»: رکوع؛ راکعین: پشت خم دهندگان

● وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (بقره / ۴۳).

● وپای داریت نماز را و بدهیت زکات را و پشت خم دهید (نسخه، بی تا: ۹).

● وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (بقره / ۱۲۵)

● جای ایستادن ابراهیم جای نماز و عهد کردیم به ابراهیم و اسماعیل که پاک کنیت خانه مرا از بهر طواف کنندگان و باشندگان و پشت خم دهندگان و سر بر زمین نهندگان (نسخه، بی تا: ۳۳).

۱۷-۲-۲. «فراهم نهادن دروغ‌ها»: (أَمَانِي) به معنی خیال و آرزو داشتن

تنها یک بار در نسخه ۷۰۴ به این معنا آمده است .

● وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (بقره / ۷۸).

● و از ایشان نانوایندگان اند نه دانند نامه را مگر دروغ‌ها فراهم نهاده و نیستند ایشان مگر گمان می‌برند (نسخه، بی تا: ۱۸).

۱۸-۲-۲. «رسیدن رسنده»: (أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ) به معنی رسیدن مصیبت

● الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (بقره / ۱۵۶)

● آنان که چون رسدشان رسنده، گویند هر آینه ما مر خدای دانیم و هر آینه ما به وی بازگردندگانیم (نسخه، بی تا: ۴۱).

نگاهی به برخی واژه‌های فرارودی در ترجمه قرآن... (ص ۱۰۳-۱۲۲) --- بنفشه‌السادات صفوی و همکاران ۱۱۷

● **إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرًا مِنْ قَبْلٍ وَ يَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ** (توبه/۵۰).

● و اگر رسیدت نیکی غمناک کندشان و اگر رسدت رسنده‌ای گویند به درستی گرفتیم کارها را از پیش و برگردند و ایشان شادمانان (نسخه، بی‌تا: ۳۴۰).

۲-۲-۱۹. «بدل گرفتن»: (يَشْتَرُونَ) به معنی فروختن

● **إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ نَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ** (بقره/۱۷۴).

● هر آینه آنان که می‌پوشند آنچه را فرو فرستاده شد از خدای نامه و بدل می‌گیرند به وی بهائی اندک را این گروه نه می‌خورند در شکم‌هاشان مگر آتش (نسخه، بی‌تا: ۴۶).

● **وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ نَمَنًا قَلِيلًا فَبُئِسَ مَا يَشْتَرُونَ** (آل عمران/۱۸۷).

● و چون گیرد خدای عهد استوار آنان که داده شدند نامه، هر آینه پیدا کندشان هر آینه هر آینه ۱۲ مردمان را و نه پنهان داردشان، پس انداختندش پس پشت‌هاشان و بدل گرفتند به وی بهایی اندک پس بد است آنچه بدل می‌گیرند (نسخه، بی‌تا: ۱۳۲).

۲-۲-۲۰. «خوشدلی کردن»: (تَطَوَّعَ) به معنی پذیرا شدن کار خیر

● **أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامٍ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ** (بقره/۱۸۴).

● روزهای شمرده پس هر که بود از شما بیمار یا بر سر رو پس مر او راست شمار از روزها [ی] دیگر و بر آنان که توانندش فدادادن است خوردنی بیچاره، پس هر که بخوشدلی

کند بهتر بود مر او را و اگر روزه دارد بهتر بود مر شما را، اگر می‌دانیت (نسخه، بی‌تا: ۴۹).

● **الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ ...** (توبه/۷۹).

● آنان که عیب می‌کنند آنان که به خوشدلی دهند صدقه را [به رجا] از گرویدگان ... (نسخه، بی‌تا: ۳۴۷).

۲-۲-۲۱. «آمدن»: (الرَّفَتْ) به معنی مباشرت با زنان

● **أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِيَابِسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَابِسٌ لَهُنَّ** (بقره/۱۸۷).

● شایسته شد مر شما را شب روزه آمدن به زنانان ایشان پوشش‌اند مر شما را و شما پوشش‌ایت مر ایشان‌را (نسخه، بی‌تا: ۵۰).

۲-۲-۲۲. «افکندن»:(تَحْتَانُونَ) به معنی پذیرفتن

● عِلِمَ اللّٰهُ اَنْكُمْ كُنْتُمْ تَحْتَانُونَ اَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ (بقره/۱۸۷)

● دانست خدای هر آینه شما ناراستی می کردیت تنها شما را پس توبه افکند بر شما و درگذشت از شما (نسخه، بی‌تا: ۵۰).

۲-۲-۲۳. «باشیدن»:(عَاكِفُونَ) به معنی اعتکاف‌کنندگان

● وَلَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (بقره/۱۸۷)

● و نه جماع کنیت‌شان و شما باشندگان در مرگت‌ها آنت حد‌ها[ی] خدای پس نه نزدیک شویت به وی، همچنانت پیدا کند خدای نشان‌ها[ی] خود مر مردمان را تا ایشان بپرهیزند(نسخه، بی‌تا: ۵۱).

● وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (بقره/۱۲۵).

● جای ایستادن ابراهیم جای نماز و عهد کردیم به ابراهیم و اسماعیل که پاک کنیت خانه مرا از بهر طواف‌کنندگان و باشندگان و پشت خم دهندگان و سر بر زمین نهندگان(نسخه، بی‌تا: ۳۳).

۲-۲-۲۴. «باز پس افکندن»:(تَأَخَّرَ) به معنی درنگ کردن

● إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحْلُونَهُ عَامًا وَيُخَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُؤْطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنٌ لَهُمْ سُوءٌ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (توبه/۳۷).

● هر آینه باز پس افکند حرامی‌ها به ماهی دیگر فزونی است در کافری گمراه می‌شوند به وی آنان که نگرویدند حلال می‌دارندشان یک سال و ناشایسته می‌دارندش یک سال تا راست آرند شمار آنچه را حرام کرد خدای، پس حلال دارند آنچه را حرام کرد خدای، آراسته شد مر ایشان را بدی کارهای ایشان و خدای نه راه نماید گروه ناگرویدگان را(نسخه، بی‌تا: ۳۳۶).

● أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُنِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كُنِبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا

أَحْرَزْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ
فَتِيلاً (نساء/ ۷۷)

● گویند ای پروردگار ما چرا نوشتی بر ما کارزار کردن را؟ چرا نه باز پس افکندی ما را تا زمان نزدیک؟ بگوی بر خورداری این جهان اندک است و آن جهان بهتر است مر آن را که پرهیز کرد و نه کم کرده شویت آن مقدار که بمالیت میان دو انگشت (نسخه، بی تا: ۱۵۸).

۲-۲۵. «جنبانیدن»: (زُلُزِلُوا) به معنی پریشان خاطر شدن، ترسیدن

● أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ
وَزُلْزِلُوا حَتَّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَىٰ نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ (بقره/ ۲۱۴)

آن که گذشت از پس شما بودشان سختی و گزند و جنبانده شدند تا گفت پیغامبر و آنان که گرویدند با وی کی است یاری خدای نزدیک است (نسخه، بی تا: ۵۹).

● هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا (احزاب/ ۱۱).

● آن جا آزموده شدند گرویدگان و جنبانیده شدند جنبانیدنی سخت (نسخه، بی تا: ۷۳۵).

۲-۲۶. «افزونی»: (فَضَّلَ) به معنی احسان کردن

● أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ
اللَّهَ لَدُوٌّ فَضَّلِ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (بقره/ ۲۴۳)

● او نه نگریستی به آنان که بیرون آمدند از سرایه‌هایشان و ایشان هزار بودند از ترس مرگ پس گفت مر ایشان را خدای میریت، باز زنده کردشان، هر آینه خدای هر آینه افزونی است بر مردمان و چنانکه بیشتر مردمان نه سپاس دارند (نسخه، بی تا: ۷۰).

● وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ
أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (بقره/ ۲۳۷).

● و اگر رها کننت‌شان از پیش آنک بساوندشان و به درستی پیدا کردیت مر ایشان را فریفته پس نیمه آنچه فریفته کرد بر شما مگر که درگذارند یا درگذارد آنک به دست وی است گره زناشویی و که در گذار است نزدیک‌ترست پرهیزگاری و نه فراموش کنیت افزونی را، میان شما هر آینه خدای به آنچه می‌کنیت بیناست (نسخه، بی تا: ۶۹).

۲-۲۷. «فسردن»: (سَنَّهُ) به معنی چرت زدن

تتها یک بار در نسخه ۷۰۴ آمده است.

● اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (بقره/۲۵۵).

● خدای نه هیچ خدایی مگر وی زنده پاینده است، نه گیرد وی فسرودن و نه خواب مر وی راست، آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است (نسخه، بی‌تا: ۷۵).

۲-۲-۲۸. «دروای کردن»: (نَشْرُهَا) به معنی پیوند دادن

تنها یک بار در نسخه ۷۰۴ آمده است.

● فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَسْنَهُ وَأَنْظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَىٰ الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِرُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (بقره/۲۵۹)

● پس بنگر به خوردنی تو و آشامیدن تو، نه برگشت یعنی بوی نگرفت و بنگر به خر تو و تا گردانیمش نشانی مر مردمان را و بنگر به استخوان‌ها چگونه دروای می‌کنمش باز می‌پوشانمش گوشتی پس چون پیدا شد، مر او را گفت می‌دانم که هر آینه خدای بر هر چیزی تواناست (نسخه، بی‌تا: ۷۷).

۳. نتیجه‌گیری

تأمل در ترجمه قرآن موسوم به ۷۰۴، برابری بسیار زیبا از زبان فرارودی پیش چشم ما نهاد. برخی از این واژه‌های ناب کهن فارسی، در زبان فارسی دری و در زبان امروز کاربرد ندارند و از همین رو آشنایی با آن‌ها مدد رسان جویندگان در فهم کلام وحی است. جمع‌آوری لغات سره فارسی مثل «دندان برهنه کردن» در برابر «خندیدن» و ترکیبات زیبایی مانند «فراهم نهادن دروغها» در برابر «آرزو داشتن» و بسیاری دیگر از این دست لغات، دایره لغات فارسی را توسعه می‌دهد و ما را با معانی مختلف واژه‌ها آشنا می‌کند. آشنایی با این واژه‌ها، وسعت دایره زبان فارسی را بیشتر می‌کند و نشان می‌دهد زبان فارسی، توانایی آن را دارد که مفاهیم قرآن را با واژه‌های خوش‌تراش فارسی دری به خواننده انتقال دهد. دسترسی به دریای عظیم این برابرها در زبان فارسی فرارودی، ما را در پژوهش‌های دستور تاریخی یاری می‌رساند و چه بسا گره‌گشای شرح و تصحیح برخی متون کهن فارسی شود.

شناخت حوزه تألیف فرارود، از راه مقایسه متون آن به نتیجه می‌رسد و همگونی‌های واژگانی، ساختاری و آوایی این متون به ما کمک می‌کند تا گونه‌ها و گویش‌های زبان فارسی را بهتر بشناسیم. با توجه به شباهت‌ها و همخوانی‌های دو قرآن مترجم ۷۰۴ و ۱۰۲۸، به نظر می‌رسد کاتب هر دو نسخه محمد بن ابراهیم ملقب به نجم الثوری (الدوری) باشد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ماوراءالنهر: سرزمینی است در شمال رود جیحون که ازبکستان، بخش اعظمی از تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان امروزی را شامل می‌شود و در متون قدیم «فرزند رود» نیز نامیده شده است.
- ۲- ترجمه فارسی این قرآن به خط نسخ خفی با نشانه‌هایی از خط ثلث نوشته شده است. قواعد این دو خط - ثلث و نسخ - در قدیم مستقل نبوده و از هر دو در یک نوشته استفاده می‌شده است اما امروزه هر یک، قواعد خاص خود را دارند.
- ۳- در «فهرستگان نسخه‌های خطی ایران» (فنخا)، قرآن‌های خطی بسیاری از جمله قرآن‌های شماره ۷۰۱ تا ۷۲۵ را معرفی شده‌اند است اما از دو شماره ۷۰۴ و ۷۱۹ اطلاعاتی به دست نداده است.
- ۴- بیشتر حروف مقطعه در این قرآن ترجمه شده‌اند؛ برای مثال «منم خدای بزرگوار راست گفتار» معادل «المص» آمده است (اعراف / ۱).
- ۵- «کعب بن اشرف» مردی معروف از یهودیان مخالف پیامبر اکرم (ص) بود که نامش در تفاسیر قرآن آمده است. این واژه تنها یک بار در قرآن مترجم ۷۰۴ آمده است.
- ۶- «بحیره» به ماده شتری که پنج بار زاییده باشد و پنجمین آن ماده بود. گوش این حیوان را می‌شکافتند و آن را رها می‌کردند.
- ۷- «سائبه» ماده شتری بود که دوازده بچه می‌آورد و سپس او را آزاد می‌کردند.
- ۸- «وصیله» به گوسفندی می‌گفتند که هفت بار فرزند می‌آورد و به روایتی دوقلو می‌زاید.
- ۹- «حام» به حیوان نری می‌گفتند که از آن برای آستن کردن حیوانات ماده استفاده می‌کردند، وقتی ده بار از آن استفاده می‌شد، حیوان را آزاد می‌کردند.
- ۱۰- ترجمه افعال در برابرهای فرارودی و فارسی معیار به شکل مصدر آورده می‌شود.
- ۱۱- به دلیل طولانی بودن برخی آیات، از آوردن آیه کامل و ترجمه فرارودی آن خودداری شده است و تنها به ذکر قسمتی از آیه که واژه مورد نظر را در برداشته، بسنده می‌شود.
- ۱۲- «هر آینه هرآینه» در برابر (ن) ثقیله و «هرآینه» در برابر (ن) خفیفه و (لام) جواب قسم آمده است.

منابع

- ۱- قرآن مجید. ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- بندر ریگی، محمد. (۱۳۶۲). ترجمه منجد الطلاب، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اسلامی.
- ۳- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۶). ترجمه توضیحات و واژه‌نامه قرآن کریم، چاپ سوم، تهران: نشر جامی.
- ۴- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۷). لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین، تهران: سیروس.

- ۵- رواقی، علی. (۱۳۹۲). زبان فارسی افغانستانی (دری)، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران: نشر آثار، شماره ۱۱۵.
- ۶- رواقی، علی. (۱۳۸۱). ذیل فرهنگ‌های فارسی، با همکاری مریم میرشمسی، تهران: هرمس.
- ۷- رواقی، علی. (۱۳۹۴). «گونه‌شناسی متن‌های فارسی، گونه فارسی فرارودی (ماوراء النهری) با نگاهی به کتاب ارشاد»، ضمیمه آینه میراث، سال سیزدهم، شماره ۳۹، صص ۳-۱۵۴.
- ۸- سادات ناصری، سیدحسن؛ دانش‌پژوه، منوچهر. (۱۳۶۹). هزار سال تفسیر فارسی، تهران: البرز.
- ۹- صفوی، بنفشه السادات و دیگران. (۱۳۹۹). معرفی نسخه خطی قرآن مترجم ۷۰۴، مشهد: فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی آستان قدس رضوی، منتشر شده به صورت الکترونیکی ۳۱ خرداد.
- ۱۰- فکرت، محمد آصف. (۱۳۶۳). فهرست نسخ خطی قرآن‌های مترجم، مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی.
- ۱۱- قرآن قدس (کهن‌ترین برگردان قرآن به فارسی از نسخه خطی ۱۰۸۹). (۱۳۶۴). پژوهش و تصحیح علی رواقی، تهران: موسسه فرهنگی شهید محمد رواقی.
- ۱۲- قرآن مترجم ۷۰۴. (بی‌تا). نسخه خطی، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
- ۱۳- نسفی سمرقندی، عمرین محمد. (۱۳۶۲). تفسیر نسفی، به کوشش عزیزالله جوینی، تهران: بنیاد قرآن.
- ۱۴- یاحقی، جعفر. (۱۳۷۳). فرهنگنامه قرآن (فرهنگ برابره‌های فارسی قرآن براساس ۱۴۲ نسخه خطی)، مشهد: گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس رضوی.